

میرکل دفتر حفاظت و احیای تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست در بخشی از صحبت‌هایش از کاهش بارش‌ها و به‌وقوع‌پیوستن سیلاب‌های بزرگ را علت نرسیدن آب به تالاب‌ها عنوان کرده است. این حرف‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که تمام تالاب‌ها قحطیه دارند و باید براساس قانون سهم آنها در نظر گرفته شده و به سمت‌شان جاری شود. سازمان حفاظت محیط‌زیست در راستای تالاب‌های حفاظت از تالاب‌ها، قحطیه‌ها را تعیین کرده و وزارت نیرو نیز مکلف به تأمین آن است اما گاهی نوت‌ها این میزان آب به سمت تالاب‌ها نرسد، بلکه سیلاب‌هایی را که در مسیر به تالاب‌ها می‌رسد، ای قحطیه می‌نویسند. آن‌طور که گزارش‌های میدانی‌شان می‌دهد و بیش از دو دهه است که تعدادی از تالاب‌ها رنگ آب را به خود ندیده‌اند و به‌طور کامل خشک شده‌اند ازجمله تالاب پریشان، گاوخونی و تا حدودی بختگان. تحویل منظم قحطیه تالاب‌ها و دریاچه‌ها بسیار مهم است. نکته‌ای که وجود دارد این است که در قانون برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده سالانه ۱۰میلیارد مترمکعب آب به‌عنوان قحطیه تالاب‌ها و دریاچه‌ها رهاسازی شود. حالا کارشناسان می‌پرسند این ۱۰میلیارد مترمکعب چگونه محاسبه شده است. در نظر بگیرید فقط قحطیه مورد نیاز دریاچه ارومیه آن هم در شرایط نرمال سالانه ۳/۴میلیارد مترمکعب است. در حال‌اینکه که بیش از ۲۵۰ تالاب و دریاچه در کشور وجود دارد، بنابراین چگونه قرار است این ۱۰میلیارد مترمکعب حیات این تالاب‌ها و دریاچه‌ها را تضمین کند! هر چند مشخص است که همین میزان قحطیه نیز از ده‌ها به دریاچه‌ها و تالاب‌ها نمی‌رسد و اگر هم رهاسازی شود، در مسیر با چالش‌هایی مواجه شده و به مقصد نخواهد رسید. هرچند کمبود آب اولین بهانه برای نرسیدن قحطیه تالاب‌ها عنوان می‌شود و برخی مسئولان با اولویت‌بندی‌ها، آب شرب و کشاورزی را در صدر نیازها قرار می‌دهند، اما حقیقت این است که سوءمدیریت‌ها هم در قربانی‌شدن تالاب‌ها نقش دارند. عدم مدیریت روان‌آب‌ها که اولین تأمین‌کننده آب تالاب‌ها هستند و همچنین رهاسدن گشت و زرع به شیوه‌های سنتی، دلیل اصلی گرفتن سهم آب تالاب‌هاست. همچنین سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌تواند با همکاری وزارت نیرو، احداث ایستگاه‌های خفرومقیاز را در مصب تالاب‌ها به دستورکار قرار دهد. ایستگاه‌هایی که به‌طور دقیق میزان آب ورودی به این اوسیکستیم‌ها را اندازه‌گیری کرده و میزان نیازشان برای زنده ماندن را اعلام می‌کنند.

